نویسنده: جاناتان لی، ۱۹۹۶
برگردان: دکتور لعل زاد
لندن، می ۲۰۲۶

ترکستان افغانی یا ولایت بلخ!

==============================

پیشگفتار برگردان

عنوانی زیر نام «در باره ترکستان، ترکستان افغانی یا ترکستان صغیر وغیره»، بخش کوچکی از کتاب ارزشمند جاناتان لی زیر نام «برتری باستانی: بخارا، افغانستان و جنگ بر سر بلخ، ۱۷۳۱ – ۱۹۰۱» در ۱۹۹۶ است. بنابرآن، بخش‌های مهم آن را بدون هیچگونه تبصره‌ای تقدیم علاقمندان مسایل تاریخی و به‌ویژه نسل جوان کشور می‌نمایم.

+ + +

در دوران درانی از تاریخ طولانی بلخ، منابع بومی و اروپایی برای توصیف این منطقه از نامگذاری‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. در اواسط سده ۱۸، منابع فارسی دربار افغانی معمولا این ولایت را با همان نامگذاری رایج در سمت جنوب یعنی «ترکستان» (به معنای «سرزمین ترک‌ها») یاد کردند، در حالی که واژه «بلخ» نیز بسته به متن، می‌توانست هم به‌معنای شهر و هم به‌معنای تمام ولایت باشد. هنگامی که منابع بریتانیایی و اروپایی در نیمه اول سده ۱۹ به این منطقه علاقه‌مند شدند، آنان نیز سنتِ جنوبی را پیروی کردند و نام «ترکستان» را ترجیح دادند، هرچند برخی نویسندگان، نام کهن قرون وسطایی، یعنی «تاتار» را مناسب‌تر می‌دانستند.

با گذشت سده و در نتیجه ترویج افغانستان بزرگ توسط بریتانیا، مقامات به طور فزاینده‌ای از نام «ترکستان» ناراحت شدند. زیرا نه تنها از نظر تاریخی، «ترکستان» می‌توانست

شامل مناطق دو سوی آمودریا تلقی شود و بدین ترتیب به ادعاهای روسیه مبنی بر اینکه میمنه و دیگر ایالت-شهرهای چهار ولایت [میمنه، سرپل، شبرغان و اندخوی] نباید بخشی از افغانستان محسوب شوند، اعتبار می‌بخشید؛ بلکه دلالت بر این داشت که حاکمیت بلخ نه در اختیار افغان‌ها، بلکه در اختیار «ترک‌ها»، یعنی اوزبک‌ها و تا حد کمتری، ترکمن‌ها است.

سرانجام، در ۱۸۶۹، سُر هنری راولینسون در یادداشت معروف خود در مورد مرز افغانستان، توصیه کرد که بریتانیا به دلایل سیاسی دیگر نباید از اصطلاح «ترکستان»، بلکه از «ترکستان افغانی» استفاده کند. به دنبال این توصیه، نقشه‌های جدیدی از افغانستان منتشر شد و از این نقطه به بعد، اصطلاح «ترکستان افغانی» به عنوان نام رسمی اراضی در تمام ارتباطات و انتشارات رسمی پذیرفته شد. در نتیجه، سرزمینی که در شمال اکسوس/آمور قرار داشت، ترکستان روسی نامیده می‌شد، زیرا از ۱۸۶۸ به بعد، امیر [امارت] بخارا در جمله متصرفات تزار بود.

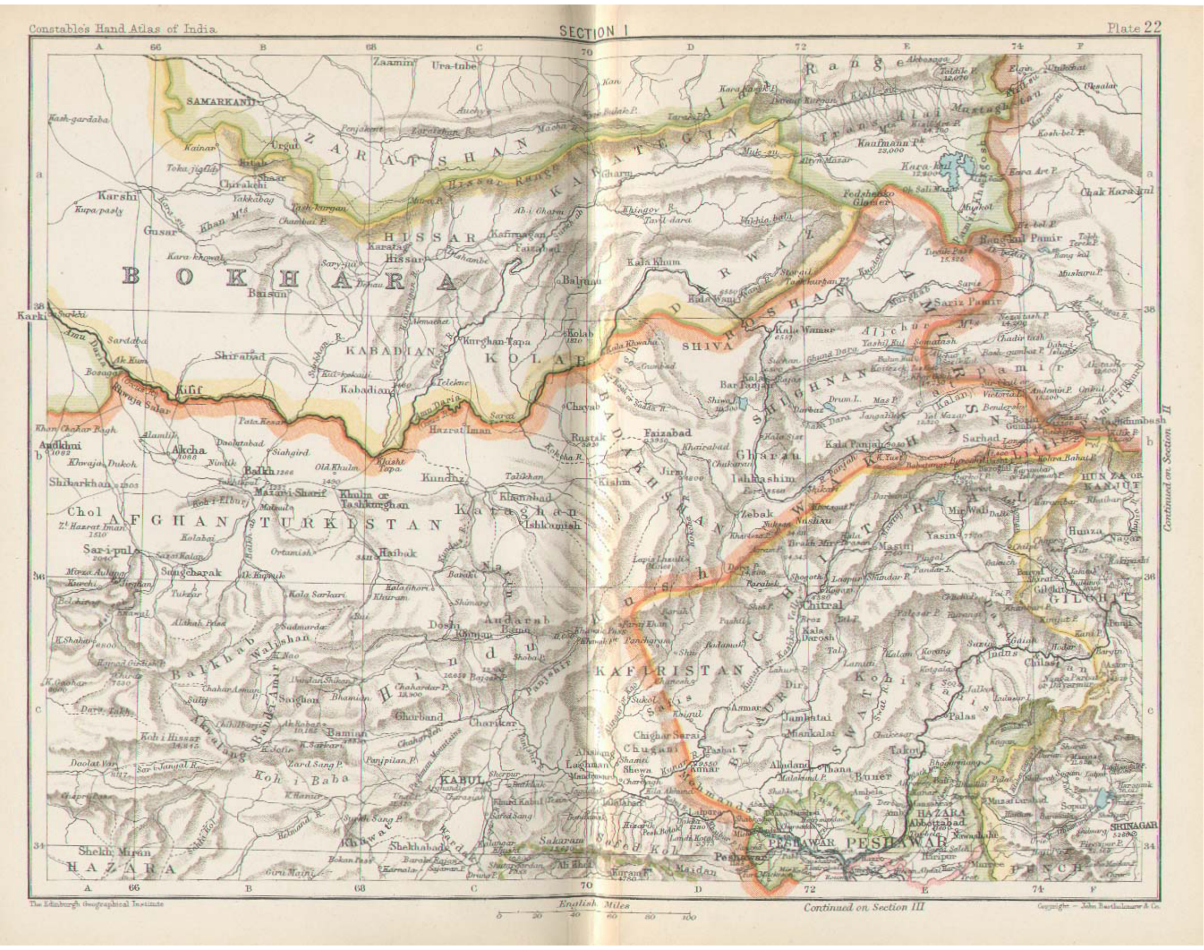
با این حال و علیرغم این تغییر، وکلای بومی بریتانیا، اخبارنویسان و سایر مأموران مخفی هنوز از اصطلاحات سنتی و بومی استفاده می‌کردند و اغلب از آن به عنوان «ترکستان» یا «ولایت بلخ» یاد می‌کردند. برای پیچیده‌ترشدن اوضاع، امیران افغانستان و مقامات کابل نیز معمولا همان اصطلاحات آشناتر را استفاده می‌کردند. علاوه بر این، کاتبان و دیگر مورخان رسمی دربار افغان در آغاز این سده، گاهی از این منطقه به عنوان «ترکستان صغیر» یاد می‌کردند. در نهایت، سُر هنری راولینسون در یادداشت خود، به عنوان جایگزین، «قلمرو اکسوس/آمو» را پیشنهاد کرد. اما این اصطلاح که به ندرت در مکاتبات رسمی استفاده می‌شد، به سرعت کنار گذاشته شد...

متأسفانه، در حال حاضر، استفاده از این اصطلاحات در معرض سوءتفاهم و سوءتعبیر قابل توجه قرار دارد، زیرا آنها توسط گروه‌های ملی‌گرای افراطی و جدایی‌طلب (عمدتاً

جوامع دیاسپورا در ترکیه، پاکستان، اروپا و آمریکا) که از نوعی پانترکیزم آسیای مرکزی حمایت می‌کنند، به معنای کاملاً متفاوتی استفاده می‌شوند. بنابراین، می‌خواهم تأکید کنم که با اتخاذ این اصطلاحات، من آنها را منحصراً به معنای قرن نزدهمی به کار می‌برم و اتخاذ آنها به هیچ وجه به معنای حمایت یا جانبداری از این ملی‌گرایان مدرن نیست.

از این نظر، شایان ذکر است که «ترکستان» یک نام بومی نیست، بلکه در اصل اصطلاحی بود که توسط «بیگانگان» و جنوبی‌ها برای توصیف این منطقه به کار گرفته شد. ولایت بلخ، یک سرزمین تک فرهنگی و تک زبانی که این اصطلاح به آن اشاره دارد، نبوده و نیست. افزود بر ازبک‌ها، ترکمن‌ها و گروههای کوچک‌تر قزاق، اویغور و غیره، ولایت بلخ همواره اقلیت‌های قابل توجهی از مردمان فارسی‌زبان (عمدتاً فارسیوان‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ایماق‌ها) و هم اقلیت‌هایی مذهبی (یهودیان و هندوها) را در خود جای داده و هنوز هم دارد که همه در نبرد برای بلخ نقش خود را ایفا کردند.

از اوایل دهه سوم قرن ۱۸ و احتمالاً قبل از آن، جمعیت کوچکی پشتوزبان در بلخ و آقچه وجود داشت. شواهد محکمی وجود دارد که بسیاری از خانواده‌های ریشه‌دار افغان (از جمله نوادگان پادگان اصلی افغان که توسط شاه درانی در بلخ و آقچه به جا مانده بودند) به همان اندازه با الحاق ولایت توسط محمدزایی مخالف بودند که ازبک‌ها، ایماق‌ها، هزاره‌ها، ترکمن‌ها و غیره. بنابراین، به تصویر کشیدن مبارزه بین امیران افغان و مردم ترکستان صغیر به عنوان نبردی برای خودمختاری ملی ازبک‌ها نه تنها از نظر قوم‌شناسی نادرست است، بلکه تقریباً مطمئناً یک نابهنگامی تاریخی است. این به معنای افتادن در دامی است که متأسفانه در جهان پسااستعماری بسیار رایج است، یعنی اشتباه گرفتن ملیت و شهروندی با قومیت!



ترکستان افغانی یا ولایت بلخ در سال ۱۸۹۳